

دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا با تهدید به اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی بر کالاهای کشورهای بریکس، به جنگ دلارزدایی رفت اما کارشناسان هشدار داده‌اند که این اقدام ممکن است به جای مهار رقبا، به تضعیف دلار جهانی و نارضایتی مردم آمریکا از وی منجر شود. رقابت‌های اقتصادی بین ایالات متحده و کشورهای نوظهور به اوج خود رسیده است. دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور منتخب آمریکا، هدف تازه‌ای برای سیاست‌های اقتصادی و تجاری خود پیدا کرده و آن نیز گروه بریکس (BRICS) است. گروه بریکس که شامل ۹ کشور کلیدی از جمله برزیل، روسیه، هند، چین، آفریقای جنوبی، نیپوبی، ایران، مصر و امارات متحده عربی است به عنوان رقیب نظم غربی شناخته می‌شود. این در حالی بوده که سیاست جدید ترامپ برای مقابله با یکی از اهداف کلیدی این گروه یعنی دلارزدایی، اکنون به موضوعی داغ در محافل سیاسی و اقتصادی تبدیل شده است.

مقابله با دلارزدایی در بریکس

یکی از اهداف اصلی گروه بریکس، کاهش وابستگی به دلار آمریکا در تجارت‌های بین‌المللی و استفاده از ارزهای محلی مانند یوان چین، روبل روسیه و روبیه هند بود. این روند که به «دلارزدایی» (De-dollarization) معروف شده، تلاشی می‌کند که کشورهای بریکس را از فشارهای اقتصادی آمریکا و سلطه دلار آزاد کند اما این موضوع برای ترامپ که همواره از دلار به عنوان یک سلاح اقتصادی استفاده می‌کند، غیرقابل قبول است.

ترامپ اخیرا در یک پیام در شبکه‌های اجتماعی نوشت: «ما به تعهدی از این کشورها نیاز داریم که نه ارز جدیدی برای بریکس ایجاد کنند و نه از هیچ ارز دیگری برای جایگزینی دلار قدرتمند آمریکا حمایت کنند. در غیر این صورت، آنها با تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی مواجه خواهند شد و باید با بازار فوق‌العاده آمریکا خداحافظی کنند.» اگر ایسن تهدید به تعرفه ۱۰۰ درصدی بر کالاهای وارداتی از کشورهای بریکس اجرا شود می‌تواند تحولات بزرگی در تجارت جهانی ایجاد کند.

تعرفه‌های ۱۰۰ درصدی چگونه عمل می‌کنند؟

تعرفه ۱۰۰ درصدی به این معنا است که قیمت هر کالای وارداتی از کشورهای بریکس در کشور مقصد دو برابر خواهد شد. به عنوان مثال، اگر یک خودروی وارداتی از هند ۱۲ هزار دلار قیمت داشته باشد قیمت این خودرو در بازار آمریکا به ۲۴ هزار خواهد رسید.

استفاده بیش از حد از دلار به عنوان سلاح اقتصادی، کشورها را به جایگزین کردن ارزهای ملی ترغیب می‌کند. مسدود کردن دسترسی کشورها به سیستم‌های پرداخت دلاری یا بلوکه کردن ذخایر ارزی، انگیزه کشورهای دیگر برای ایجاد جایگزین‌های جدید را بیشتر می‌کند. روسیه نیز در این زمینه هشدار داده بود.

تورریسم تأثیرات عمیقی بر اقتصادها دارد که شامل خسارات فوری و بلندمدت می‌شود. این تأثیرات به پیچیدگی و شرایط خاص هر منطقه بستگی دارد اما به‌طور کلی، تورریسم از طریق روش‌های مختلف به اقتصاد آسیب می‌زند.

تابناسامانی اقتصادی در کشورهایی لیبی، مصر، عراق و افغانستان نتیجه ترکیبی از عوامل داخلی و دخالت‌های خارجی است که طی سال‌های اخیر، توسعه پایدار این کشورها را با چالش‌های جدی مواجه کرده است. گزارش‌ها

پس از مداخله ناتو در سال ۲۰۱۱ و سرنگونی معمر قذافی، اقتصاد لیبی خراب شد. علی‌رغم داشتن منابع نفتی غنی، سال‌ها بی‌ثباتی سیاسی، جنگ‌های داخلی و آسیب‌های وارده به زیرساخت‌ها باعث مشکلات اقتصادی شدید شد. بخش نفتی که بخش عمده‌ای از اقتصاد را تشکیل می‌دهد بارها توسط گروه‌های مسلح مختل شده و GDP کشور نوسانات شدیدی داشته است با دوره‌هایی از کاهش شدید در پی ناآرامی‌های سیاسی.

نشان می‌دهد که حضور قدرت‌های خارجی به‌ویژه آمریکا، کنار سسوءیریت داخلی و فساد گسترده، تأثیرات عمیقی بر این کشورها داشته و مسیر آن‌ها را به‌طور کامل از توسعه جدا کرده است.

تخریب زیرساخت‌ها

اتفاقاتی که این روزها در سوریه شاهد آن هستیم دقیقا همان چیزی است که در تمام کشورهاییکه غریبه‌ها به‌بهانه مبارزه با تورریسم در آن‌ها حضور پیدا کرده بودند، رخ داده است. همان‌طور که رژیم صهیونیستی بلافاصله پس از تغییر نظام سیاسی در سوریه، با سوءاستفاده از آشفتگی وضعیت داخلی این کشور، زیرساخت‌های حیاتی آن را نابود کرد؛ عراق، لیبی و افغانستان نیز تجربه‌ای مشابه را به‌واسطه حضور آمریکایی‌ها پشت‌سر گذاشته‌اند. در سال‌های قبل حضور نظامی آمریکا در عراق و افغانستان و همچنین مداخله ناتو در لیبی، منجر به تخریب گسترده زیرساخت‌های حیاتی این کشورها شده است. این وضعیت باعث وابستگی شدید این کشورها به کمک‌های خارجی شده که نه‌تنها مشکلات را حل نکرده، بلکه فساد و ناکارآمدی سیستماتیک را تشدید کرده است.

افزایش نرخ بیکاری

در عراق، با وجود منابع عظیم نفتی، فساد اداری و کاهش توانایی دولت در بازسازی زیرساخت‌ها، نرخ بیکاری و فقر را افزایش داده است. افغانستان نیز به‌دلیل وابستگی به کمک‌های بین‌المللی خروج نیروهای خارجی،

انهدام دلار باانتحار ترامپ

این سیاست به عنوان سلاح اصلی ترامپ در مذاکرات تجاری شناخته می‌شود. وی پیش‌تر نیز این سیاست را علیه کانادا، مکزیک و چین اعمال کرده و به نوعی از آن، به عنوان اهرم فشار استفاده کرده است.

برای مثال وقتی جاستین ترودو؛ نخست‌وزیر کانادا با تهدید تعرفه ۲۵ درصدی ترامپ مواجه شد برای مذاکره به فلوریدا سفر کرد و به توافق جدیدی با ترامپ رسید اما این بار، شرایط

اقتصادی

استفاده بیش از حد از دلار به عنوان سلاح اقتصادی، کشورها را به جایگزین کردن ارزهای ملی ترغیب می‌کند. مسدود کردن دسترسی کشورها به سیستم‌های پرداخت دلاری یا بلوکه کردن ذخایر ارزی، انگیزه کشورهای دیگر برای ایجاد جایگزین‌های جدید را بیشتر می‌کند. روسیه نیز در این زمینه هشدار داده بود. روس‌ها بر این باورند که اگر ترامپ همچنان به تهدیدهای اقتصادی ادامه دهد ممکن است که

سیاست تعرفه‌ای به‌عنوان سلاح اصلی ترامپ در مذاکرات تجاری شناخته می‌شود. وی پیش‌تر نیز این سیاست را علیه کانادا، مکزیک و چین اعمال کرده و به نوعی از آن، به عنوان اهرم فشار استفاده کرده است. برای مثال وقتی جاستین ترودو؛ نخست‌وزیر کانادا با تهدید تعرفه ۲۵ درصدی ترامپ مواجه شد برای مذاکره به فلوریدا سفر کرد و به توافق جدیدی با ترامپ رسید اما این بار، شرایط متفاوت خواهد بود چراکه بریکس، کانادا نیست.

به گفته او، «نظام بین‌الملل نظام تجارت آزاد است. سازمان تجارت جهانی ساختارش براساس مزیت نسبی است؛ یعنی همه کشورها نمی‌توانند همه‌چیز را تولید کنند. کشورها براساس مزیت‌های نسبی تولیداتی را انجام می‌دهند و در قالب قوانین سازمان تجارت جهانی مبادله تجاری دارند؛ به بیان دیگر وقتی حرف از تعرفه صد درصدی به میان می‌آید بخش بزرگی از لطعات آن به اقتصاد آمریکا وارد می‌شود.»

کارشناس اقتصاد بین‌الملل می‌گوید: «تهدیدهای ترامپ رفتار پولی و مالی کشورهای جنوب جهانی را رادیکال‌تر می‌کند؛ اینها برای چهارچوب رفتاری خود در حوزه بریکس نوعی کانالیسوزور داشتند که با تهدیدهای آمریکا موضع‌گیری تندی داشته باشند و آمریکایی‌ها قمار زینباری را مرتکب شدند.»

خوردند می‌افزاید: «بریکس در بدو کار قرار دارد. در پس جنگ جهانی اول و دوم کسی تصور نمی‌کرد که روزی پوند کنار گذاشته شود و دلار جایش را بگیرد. هیچ‌کسی تصور نمی‌کرد هیچ ارزی بتواند جای قدرت افسانه‌ای انگلیس و پوند را بگیرد ولی به راحتی کنار گذاشته شد و دلار جایگزین پوند شد. اگر تاریخ اقتصاد بین‌الملل را مطالعه کنیم می‌بینیم که اینها شدنی است.»

او ادامه می‌دهد: «بریکس، تلاشی برای عبور از نظام تک‌قطبی اقتصادی است؛ به بیان دیگر باید یک توقع متناسب با توان و ظرفیت این گروه از بریکس داشته باشیم. بریکس یک سیستم موازی به سوسیفت است؛ با این حال واحد پولی بریکس (بریک) هنوز سازکارش اعلام نشده و باید ببینیم چقدر عملیاتی می‌شود.»

اگرچه ممکن است تا در کوتاهمدت، طرح ترامپ نتیجه‌بخش باشد اما در بلندمدت، این تهدیدها باعث اتحاد بیشتر میان کشورهای بریکس برای کاهش وابستگی به دلار خواهد شد. از این‌رو، احتمالاً به یکی از چالش‌های بزرگ اقتصادی در دوران ریاست جمهوری ترامپ تبدیل خواهد شد. جهانی منجر شود؛ موضوعی که واشنگتن

«دیمیتری پسکوف»: سخنگوی کرملین: اگر ایالات متحده از نیروی اقتصادی برای مجبور کردن سایر کشورها به استفاده از دلار استفاده کند این اقدام باعث می‌شود تا کشورهای بیشتری به فکر استفاده از ارزهای ملی بیفتند. جذابیت دلار به عنوان ارز ذخیره جهانی کاهش یافته است.

این موضوع به رویکردهای تحریمی ایالات متحده علیه کشورهایمانند روسیه و ایران مربوط می‌شود که دسترسی آنها به سیستم‌های پرداخت دلاری مانند سوئیفت (SWIFT) را مسدود کرده است.

مشکلات جدی طرح ترامپ

این موضوع به رویکردهای تحریمی ایالات متحده علیه کشورهایمانند روسیه و ایران مربوط می‌شود که دسترسی آنها به سیستم‌های پرداخت دلاری مانند سوئیفت (SWIFT) را مسدود کرده است.

این موضوع به رویکردهای تحریمی ایالات متحده علیه کشورهایمانند روسیه و ایران مربوط می‌شود که دسترسی آنها به سیستم‌های پرداخت دلاری مانند سوئیفت (SWIFT) را مسدود کرده است.

تأثیرات تروریسم آمریکایی - صهیونیستی

بر اقتصاد کشورها

این تغییرات و نوسانات اقتصادی، به‌ویژه در سال‌های اخیر، بر اقتصاد افغانستان تأثیرات طولانی‌مدتی گذاشته است و باعث شد نرخ فقر همیزان قابل‌توجهی افزایش یابد و به بالای ۷۰ درصد برسد. کاهش رشد اقتصادی و

در سال‌های قبل حضور نظامی آمریکا در عراق و افغانستان و همچنین مداخله ناتو در لیبی، منجر به تخریب گسترده زیرساخت‌های حیاتی این کشورها شده است، این وضعیت باعث وابستگی شدید این کشورها به کمک‌های خارجی شده که نه‌تنها مشکلات را حل نکرده، بلکه فساد و ناکارآمدی سیستماتیک را تشدید کرده است.

طبق گزارش‌های IMF، اقتصاد افغانستان از آن زمان با کاهش شدید درآمدهای دولتی، کاهش کمک‌های خارجی و اختلالات گسترده در فعالیت‌های اقتصادی روبه‌رو شد این کاهش رشد اقتصادی ناشی از تضعیف امنیت، کاهش کمک‌های بین‌المللی، و بحران‌های سیاسی و اجتماعی بوده است. علاوه بر این، کاهش سرمایه‌گذاری خارجی و توقف پروژه‌های بزرگ اقتصادی، وضعیت اقتصادی این کشور را پیچیده‌تر کرده است.

سال‌هاست برای جلوگیری از آن تلاش می‌کند.

قمار بزرگ ترامپ

«مهدی خورسند»؛ کارشناس اقتصاد

بین‌الملل، پیش‌از این در این‌باره گفته بود: «آمریکا ذات و ماهیتش با تهدید اقتصادی کشورهای دنیا آن هم با ابزار دلار عجین شده است، وقتی اقتصادهای نوظهور دنیا را به اعمال تعرفه ۱۰۰ درصدی تهدید می‌کند قاعدتا بخش بزرگی از آن ضربه به اقتصاد آمریکا برمی‌گردد.»

صفحه ۸

شنبه ۲۷ آذر ۱۴۰۳

۱۵ جمادی‌الثانی ۱۴۴۶ - شماره ۲۳۷۴۸

سه‌م تقریبا صفر ایران از «جاده ابریشم»

ریتن پایدار شسترها، بیش از یک‌هزار سال پیش به رونق «جاده ابریشم» کمک کرد اما حالا این «کاروان‌های شسترهای فولادی» است که قاره‌ها را طی کرده و به تسهیل اتصال تجاری و تحریک رشد اقتصادی کمک می‌کنند. رسانه‌های چینی در ۱۵ نوامبر ۲۰۲۴ خبر دادند که صد‌هزارمین قطار باری مسیر چین-اروپا از «چونگ‌کینگ» در جنوب غرب‌چین به‌سمت «دوبسبورگ» آلمان حرکت کرد. چندین دهه است که قطارهای باری چین-اروپا ارادانزی شده‌اند و به تدریج رونق یافته‌اند این شبکه ۱۲۵ شهر را از طریق ۹۳ مسیر منظم قطار با سرعت ۱۲۰ کیلومتر در ساعت به هم متصل می‌کند.

به لحاظ بین‌المللی، این شبکه در ۲۵ کشور اروپایی و ۲۲۷ شهر، همچنین بیش از ۱۰۰ شهر در ۱۱ کشور آسیایی گسترش یافته است. بر اساس گزارش شرکت گروه راه‌امن دولتی چین (China Railway)، این قطارها به صورت هفتگی با هفت سفر خروجی و شش سفر برگشتی فعالیت می‌کنند؛ این ۱۰۰ هزار قطار بیش از ۱۱ میلیون TEU (واحد معادل بیست فوت) کالا در سراسر اوراسیا جمع کرده است که ارزشی معادل ۴۲۰ میلیارد دلار داشته است. تنوع کالاهایی که در این مسیر مبادله شده‌اند به ۵۲ دسته رسیده و ۵۰ هزار کالا در این زمان، با این قطارها رد و بدل شده؛ به‌طوری‌که سبب محصولات با فناوری پیشرفته و ارزش افزوده بالا، سال به سال در حال افزایش است.

این کالاهای شامل خودروهای آلمانی، سیب‌های لهستانی، پنیر هلندی، آرد قزاقستانی، محصولات آبی مانند لبن‌تاپ‌ها و چاقوگها، پوشاک، کفش، کلاه، خورجرو و قطعات، لوازم خانگی، غذا، چوب، میلمان، مواد شیمیایی و تجهیزات ماشین‌آلات هستند. برای مثال تجارت سیب میان چین و لهستان در سال ۲۰۲۲ نسبت به سال گذشته ۲۲ و دو دهم درصد افزایش یافته است. در حالی که حمل‌ونقل دریایی این مسیر حدود ۴۰ روز طول می‌کشد سرویس قطار باری می‌تواند مدت زمان سفر میان چین و لهستان را به حدود ۱۴ روز کاهش دهد.

از سال گذشته، حمل خودروهای با سوخت‌های جدید، محصولات باتری لیتیوم-یون و محصولات فتوولتائیک تولیدشده در چین افزایش یافته است.گلوبال تامیز در این رابطه نوشته است در بازه زمانی سال‌های ۲۰۱۶ تا ۲۰۲۳، تعداد سفرهای قطار باری چین-اروپا تقریبا ۱۰ برابر افزایش یافته و از ۱۷۰۲ به بیش از ۱۷ هزار سفر در سال رسیده است.

ارزش کالاهای حمل‌شده هم به میزان چشمگیری افزایش یافته و از هشت میلیارد دلار در سال ۲۰۱۶ به ۵۶ میلیارد و ۷۰۰ میلیون دلار در سال ۲۰۲۳، رسیده و این رقم در سال جاری از ۵۸ میلیارد دلار عبور کرده است.
آمارها نشان می‌دهد که زمان لازم برای اعزام هر ۱۰ هزار قطار از ۹ ماه ابتدای آغاز به کار این مسیر به ۶ ماه کاهش یافته است.



رونق شهرهای دورافتاده

قطارهای باری چین نه تنها بسیاری از شهرهای دور از ساحل را مرزها را رونق داده و به‌هابهای جدید تجارت بین‌المللی تبدیل کرده که در سطح بین‌الملل هم باعث توسعه‌یاب‌های جدید لجستیک، مناطق صنعتی و مراکز تجاری شده‌اند. در بندر «دوبسبورگ آلمان»، فعالیت قطارهای باری چین-اروپا بیش از ۱۰۰ شرکت لجستیکی را جذب کرده و بیش از ۲۰ هزار شغل ایجاد کرده است. در لهستان، ترمینال راه‌امن «مالاژسکوژه» شاهد رشد در تجارت بوده که به شدت اقتصاد محلی و توسعه اجتماعی را تقویت کرده است. اینکتر «یک کمربند یک جاده»(BRI) که در سال ۲۰۱۲ معرفی شد، به توسعه سرویس قطار باری چین-اروپا کمک کرد. این ابتکار به‌دنبال تقویت تجارت و ارتباطات میان چین و کشورهای مسیر قدیمی «جاده ابریشم» است. به همین ترتیب، سرویس قطار باری چین-اروپا به بخشی حیاتی از «یک کمربند یک جاده» تبدیل شده و تجارت و روابط اقتصادی میان دو منطقه را تسهیل کرده است.

جایگاه‌های حیجاست؟

ایران با توجه به جایگاه باستانی خود در جاده ابریشم که به عنوان یکی از مسیرهای تجاری و فرهنگی مهم میان شرق و غرب شناخته می‌شود نقش راهبردی در پروژه «یک کمربند یک جاده» چین دارد. در دوران معاصر، ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی خود و ارتباط با کشورهای مختلف در منطقه، ظرفیت قابل‌توجهی برای مشارکت در این طرح دارد. به گفته کارشناسان، با وجود اهمیت راهبردی این موقعیت، ایران نتوانسته است به طور کامل از تمامی ظرفیت‌های موجود در این پروژه بهره‌برداری کند. ایران در برخی بخش‌ها، از جمله پروژه‌های زیرساختی و ترانزیتی، به طور محدود در این طرح مشارکت کرده است و هنوز پتانسیل‌های زیادی برای توسعه همکاری‌ها در چارچوب پروژه «یک کمربند یک جاده» وجود دارد.
خبرگزاری تسنیم

مسئولیت شورای عالی کار در برابر اسدب سرکش تورم

با نزدیک شدن به موعد تعیین دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۴، بار دیگر موضوع شکاف تاریخی میان دستمزد و تورم به یکی از اصلی‌ترین دغدغه‌های کارگران و فعالان کارگری تبدیل شد. در یک دهه اخیر، دستمزد کارگران هر ساله از نرخ تورم عقب‌تر بوده و همین مسئله موجب کوچک‌تر شدن سبد معیشتی کارگران و کاهش قدرت خرید آن‌ها شده است.

طبق ماده ۴۱ قانون کار جمهوری اسلامی ایران، افزایش دستمزد باید متناسب با نرخ تورم و تغییرات قیمت‌ها در بازار باشد. این ماده قانونی که هدف آن حفظ قدرت خرید کارگران در برابر تورم است اما متأسفانه برخی سال‌ها در عمل به طور کامل دقت نشده هر ساله، با نزدیک شدن به تاریخ تعیین دستمزد‌ها، کارگران و فعالان صنفی بارها خواستار افزایش واقعی و متناسب با هزینه‌های زندگی بوده‌اند اما در عمل، شاهد آن بوده‌ایم که دستمزد‌ها فقط به میزان اندکی افزایش یافته که نه فقط پاسخگوی تورم نبوده، بلکه شکاف بین دستمزد و هزینه‌های زندگی را عمیق‌تر کرده است.

در ماه‌های اخیر، کارگران بارها خواستار بازنگری در دستمزد‌های سال ۱۴۰۳ شدند. این مطالبه ناشی از افزایش شدید قیمت‌ها در میانه سال و کاهش قدرت خرید آن‌ها بود. با این حال، شورای عالی کار، هیچ نشستی برای بررسی این درخواست برگزار نکرد.

اکنون نگاه‌ها به جلسه تعیین دستمزد سال ۱۴۰۴ معطوف شده است. فعالان کارگری بر این باورند که برای تطبیق دستمزد‌ها با نرخ واقعی تورم، افزایش بیش از ۳۰ درصدی حقوق‌ها در سال ۱۴۰۴ ضروری خواهد بود.



آزمون بزرگ شورای عالی کار

با نزدیک شدن به موعد تعیین دستمزد کارگران برای سال ۱۴۰۴، شورای عالی کار و دولت چهاردهم در برابر یکی از حساس‌ترین آزمون‌های اقتصادی سال قرار گرفتند.
مطالبه اصلی کارگران و فعالان صنفی این بود که دستمزد‌ها با نرخ واقعی تورم هماهنگ شود.

فعالان کارگری هشدار داده‌اند که در صورت افزایش ۲۰ یا ۲۵ درصدی دستمزد‌ها، شکاف میان درآمد و هزینه‌های معیشتی عمیق‌تر خواهد شد. همچنین آنها تأکید دارند که رنده‌های سال‌های گذشته به طوری بود که همواره دستمزد از تورم عقب می‌ماند و به همین جهت، این مسئله دیگر قابل تحمل نیست و دستمزدی عادلانه و واقعی برای سال آینده تعیین شود.

البته این فقط بخشی از نگرانی‌ها است. در سوسی دیگر، تغییرات پیشنهادی در لایحه بودجه ۱۴۰۴ نیز موجد از نگرانی‌های جدید را به همراه داشته است. بر اساس گزارش لایحه، نرخ از تخصیصی به کالاهای اساسی از ۲۸ هزار و ۵۰۰ به ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان افزایش می‌یابد و سقف از تخصیصی نیز از ۱۵ به ۱۲ میلیارد دلار کاهش خواهد یافت.

این تغییرات می‌تواند موجب افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی و تورم بیشتر شود. برآوردها نشان می‌دهد که پیامدهای این تصمیم می‌تواند فشار اقتصادی سال قرار گرفتند.
مطالبه اصلی کارگران و فعالان کشور وارد کند. این شرایط نگرانی‌ها درباره کاهش قدرت خرید خانوارهای کارگری را وجدانان کرده است. افزایش اجاره‌ها و کوچک‌شدن سفره کارگر، از چالش‌های زندگی کارگری است.

از سوی دیگر ذکر این نکته هم ضروری است که دولت و شورای عالی کار نباید صرفا به ارقام رسمی و عددنمای‌های روی کاغذ اکتفا کنند. با توجه به اثرات تورمی بودجه ۱۴۰۴، نباید کارگران به آن نیاز دارند، افزایش واقعی دستمزد است؛ افزایشی که بتواند حداقل سبد معیشتی خانواده‌های کارگری را پوشش دهد.

اگرچه وزیر کار وعده داده که تصمیم‌گیری درباره دستمزد ۱۴۰۴ زودتر از موعد انجام خواهد شد اما آنچه برای کارگران اهمیت دارد، کیفیت این تصمیم است، نه زمان آن.

در شرایطی که فعالان کارگران از معیشت کارگران، کیفیت این تصمیم است؛ افزایشی که بتواند حداقل سبد معیشتی خانواده‌های کارگری را پوشش دهد. سال ۱۴۰۴، دستمزد کارگران به شکل واقعی افزایش یابد. کارگران انتظار دارند که شورای عالی کار و دولت، با در نظر گرفتن نرخ تورم و هزینه‌های معیشتی، افزایشی منطقی، عادلانه و واقعی در دستمزد‌ها لحاظ کنند. البته در این عرصه توجه به توضیحات و ادله کارفرما هم بسیار مهم است؛ به هر حال کارفرماست که باید حقوق کارگر را پرداخت کند و اگر نرخ رشد دستمزد به میزانی باشد که کارفرما امکان پرداخت نداشته باشد، تولید و خدمات با چالش مواجه خواهد شد.